



ژورنال حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰
شماره پیاپی ۲۳ (صفحات ۲۳۶-۲۱۹)



ضمانت اجراهای اشخاص حقوقی با تکیه بر کارکردهای کیفر در نظام‌های حقوق کیفری ایران، انگلستان و آمریکا

امین نیکومنظری^۱

دکتر باقر شاملو^۲ ✉

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۹

چکیده

وضعیت ضمانت اجراهای اشخاص حقوقی با توجه به وجود اعتباری و فرضی آن‌ها متفاوت از اشخاص حقیقی مرتکب جرم می‌باشد به طوری که بسیاری از مجازات‌های شخص حقیقی از جمله مجازات‌های بدنی در مورد اشخاص حقوقی اعمال نمی‌شود. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تعیین کیفر برای این دسته از اشخاص فصل نوینی در حقوق کیفری ایران گشوده است. نوشتار حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به بررسی و تحلیل ضمانت اجراهای کیفری می‌پردازد و تحلیل یافته‌های حاضر حکایت از این دارد که باوجود قائل شدن وجود اعتباری و فرضی برای اشخاص حقوقی، کارکردهای مجازات از قبیل بازدارندگی، اصلاح، توان‌گیری و... قابلیت انطباق با شخص حقوقی را دارد. تطبیق نظام‌های کیفری آمریکا و انگلستان ما را به این موضوع رهنمون می‌کند که قوانین کیفری ایران در بحث کیفر گذاری از سازوکارهای مناسبی برخوردار نیست و نمی‌تواند کارکردهای مجازات را به خوبی پوشش دهد.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوقی، ضمانت اجرای کیفری، بازدارندگی، اصلاح، توان‌گیری

✉ b-shamloo@sbu.ac.ir

۱. کارشناس ارشد رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران

مقدمه

پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی پایان راه نیست، بلکه آغازی برای پیش‌بینی و اجرای ضمانت‌اجراهای کیفری نسبت به آنهاست. ضمانت اجرای کیفری عبارت است از واکنش رسمی در برابر جرایم اشخاص حقوقی. اساساً حقوق کیفری به جهت پاسخ‌های شدید و کنترل‌کننده خود از دیگر نظام‌های کنترل رسمی و غیر رسمی متمایز می‌گردد و رفتار اشخاص حقوقی را تحت انقیاد خود در می‌آورد. از این روی بدون وجود ضمانت‌اجراهای مناسب، اثری بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مترتب نخواهد بود و جامع‌ترین ساز و کارهای انتساب ره به جایی نخواهد برد.

اشخاص حقوقی با توجه به وضعیت متفاوت خود با اشخاص حقیقی تفاوت‌های چشم‌گیری از حیث انتساب یا عدم انتساب جرم، نحوه جرم ارتكابی، مسوولیت کیفری با اشخاص حقیقی دارند و بنابراین بدیهی است که شیوه‌های مجازات این دسته از اشخاص نیز تفاوت‌های چشم‌گیری با اشخاص حقیقی داشته باشد. نکته مهم در مورد تعیین کیفر و کیفر گذاری برای اشخاص حقوقی توجه به دو دیدگاه مذکور در مورد اشخاص حقوقی می‌باشد و با توجه به این که کیفر دهی به اشخاص حقیقی از سابقه طولانی‌تری نسبت به اشخاص حقوقی برخوردار است لذا اهداف و ویژگی‌های کیفر برای اشخاص حقیقی همواره مورد توجه نظام‌های مختلف کیفری بوده است به طوری که همواره یک سیر نزولی در شدت مجازات‌ها از گذشته‌های دور تاکنون تحت تاثیر این اندیشه‌ها مشاهده می‌شود. ولی، برای اشخاص حقوقی با توجه به وضعیت متفاوت آن‌ها با اشخاص حقیقی کمتر مورد اهتمام نظام‌های مختلف حقوقی بوده است از این روی ضرورت دارد با بررسی کارکردهای کیفر در مورد اشخاص حقوقی به این سوالات پاسخ داد که: (۱) آیا کیفرهای تعیین شده برای اشخاص حقوقی قابل انطباق با کارکردهای مجازات می‌باشد؟ (۲) کیفرهای تعیین شده برای اشخاص حقوقی در نظام حقوق کیفری ایران چه میزان از اهداف مجازات‌ها را پوشش می‌دهد؟ (۳) خلائهای موجود در کیفرهای اشخاص حقوقی در نظام حقوق کیفری ایران در مقایسه با نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان کدام است؟ (۴) آیا امکان مجازات‌های تبعی و تکمیلی بر اشخاص حقوقی در نظام حقوق کیفری ایران موجود است یا خیر؟ برای تعمیق بیشتر در این زمینه موضوع بحث را به دو قسم تقسیم و در خصوص هر یک به تحلیل خواهیم نشست: در قسم نخست، ضمانت‌اجراهای کیفری مالی بررسی و در قسم دوم، ضمانت‌اجراهای غیر مالی و سپس مجازات‌های تکمیلی و تبعی که این اشخاص بعضاً می‌توانند متحمل شوند با توجه به کارکردهای مجازات با رویکرد تطبیقی نظام آمریکا و انگلستان با نظام حقوقی ایران مقایسه و تحلیل خواهد شد.



۱. ضمانت اجراهای مالی

از آنجایی که بسیاری از ضمانت اجراهای سنتی همچون اعدام، حبس، تبعید و شلاق، با طبع اشخاص حقوقی بیگانه‌اند و نسبت به آن‌ها قابلیت اجرا ندارند، ناگزیر باید از جای‌گزینی چون ضمانت اجرای مالی بهره گرفت که عبارت است از ایجاد نقص در اموال مجرم که قانون به‌عنوان مجازات جرم ارتكابی مقرر می‌کند (شامبیاتی، ۱۳۹۴: ۲۹۶). این ضمانت اجراها که از سوی نظام کیفری با اقبال مواجه گردیده‌اند، در بازدارندگی^۱ اشخاص تجاری از ارتكاب جرم، اثربخش‌تر از سایر ضمانت اجراها نشان داده است (شریفی، ۱۳۹۴: ۲۸۳). زیرا اشخاص مورد اشاره با انگیزه‌های مالی و حصول به منافع افزون‌تر و بر پایه ریسک‌های محاسبه‌شده فعالیت می‌کنند و خط مشی خود را سامان می‌بخشند. ضمانت اجراهای مالی صورت‌های گوناگونی دارند: جزای نقدی، مصادره اموال و دیه که در قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در اینجا صرفاً به خلأهای قانونی موجود در زمینه اجرایی آن پرداخته می‌شود.

۱.۱. جزای نقدی^۲

جزای نقدی در زمره کیفرهای تعزیری است که برخلاف کیفرهای بدنی و سالب آزادی و حیثیت، هیچ‌گونه تعرضی به جسم و شخصیت معنوی و آزادی محکوم ندارد؛ بلکه نظر به مال وی داشته و اجرای آن، ایجاد نقصان در مال محکوم است (احمدی موحد، ۱۳۸۷: ۲۹۷). به عبارت بهتر، جزای نقدی یا جریمه - که از مهم‌ترین ضمانت اجراهای شخص حقوقی بوده - عبارت است از الزام محکوم به پرداخت وجه نقد به حساب دولت (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). جزای نقدی به دلایل متعددی مانند سرعت در وصول و اجرا، قابلیت درجه بندی و متناسب کردن با شدت جرم و تقصیر اشخاص حقوقی، عدم تحمیل هزینه به خزانه عمومی دولت، ایجاد درآمد برای دولت، توان بالای مالی اشخاص حقوقی در پرداخت جزای نقدی مورد اقبال در کلیه نظام‌های حقوقی از جمله آمریکا، انگلستان و ایران قرار بگیرد (Clark, 2005: 34).

با وجود این ضمانت اجرای جزای نقدی با ایرادها، ابهام‌ها و محدودیت‌هایی همراه است. عدم پیامدگرایی یا پیامدگرایی محدود از جمله ایرادهای اساسی بر این واکنش می‌باشد زیرا میزان جزای نقدی مورد اعمال بر اشخاص حقوقی در قیاس با بنیه مالی، در آمد و سود سرشار آن‌ها

1. Deterrence
2. Fine

ناچیز می‌نماید و در مجموع یک تهدید کیفری مرعوب کننده محسوب نمی‌شود^۱. و از سوی دیگر تحمیل جزای نقدی خارج از توان اشخاص حقوقی می‌تواند دارای تالی فاسد باشد؛ از این جهت که احتمال ورشکستگی این اشخاص و اخراج قهری صدها نفر از پرسنل را به دنبال خواهد داشت^۲. چنان که ملاحظه می‌شود جزای نقدی در هر دو حالت فراتر یا فروتر بودن از سطح درآمد و دارایی اشخاص حقوقی پیامدهای نامطلوبی در بر دارد و راهکار مناسب جهت برون رفت از این تبعات منطبق ساختن مبلغ جزای نقدی با درآمد و دارایی این اشخاص و به طور کلی شخصی کردن ضمانت اجرای جزای نقدی است. نظام‌های حقوقی برای تحقق این مهم به تدبیرهای مختلفی متوسل شده‌اند. چنان که قانون‌گذار ایران به موجب ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی، جزای نقدی اشخاص حقوقی به میزان حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که برای ارتکاب جرم توسط شخص حقیقی در قانون تعیین کرده است. البته ایرادی که می‌توان به این مقررره وارد کرد این است که در مورد جرایمی که مجازات جزای نقدی تعیین نشده است، فاقد راهکار است و از سوی دیگر در بسیاری از موارد جزای نقدی تعیین شده برای شخص حقوقی بسیار اندک بوده که افزایش دو یا چهار برابری برای شخص حقوقی فاقد بازدارندگی لازم می‌باشد. بنابراین نظام حقوق کیفری انگلستان برای ممانعت از بروز چنین نتایج نامعقولی، معیار تعیین جزای نقدی بر پایه دارایی و گردش مالی سالانه اشخاص حقوقی را پیش بینی کرده است.

قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱^۳ این کشور با همین منطقی افزایش میزان جریمه مجرم را به شرط محور قرار دادن پتانسیل مالی آن تجویز کرده است. هیأت مشورتی تعیین مجازات^۴ نیز توجه

۱. به عنوان نمونه قانون سلامت و ایمنی حین کار انگلستان ۱۹۷۴ مبلغ جریمه قابل اعمال بر کارفرمای مجرم را تا پانزده میلیون پوند افزایش داد. این مبلغ که بالاترین مبلغ جریمه تا آن زمان محسوب می‌شد در یکی از پرونده‌ها بر شرکتی که به علت قصور باعث مرگ کارگری در اثنا کار شده بود تحمیل گردید. هیات مشورتی تعیین مجازات در واکنش به این حکم ابراز داشت، از آنجا که میزان جریمه تعیین شده پایین‌تر از یک درصد گردش مالی و معادل یک درصد سود خالص سالانه‌ی شرکت محکوم است، نمی‌توان آن را واکنش مناسب و بایسته برای تحقق هدف بازدارندگی دانست (شریفی، ۱۳۹۴: ۲۸۴).

۲. به عنوان مثال شرکت کوچکی به عنوان ژوتکنیکال کاستولد انگلستان که به اتهام قتل غیر عمد یکی از کارکنان خود محاکمه و مقصر شناخته شد، به جزای نقدی سیصد و هشتاد و پنج هزار دلار محکوم گردید. شرکت مذکور بنا به جهت های گوناگون از جمله سنگینی جریمه اعتراض کرد. یکی از بحث‌های پرمجادله دادگاه تجدید نظر به سطح جریمه مورد حکم تخصیص یافت. زیرا این میزان جریمه معادل بیست و پنج درصد گردش مالی سالانه شرکت بود که منجر به انحلال آن می‌شد. با این وجود؛ دادگاه اعتراض شرکت را وارد ندانست و اظهار داشت که انحلال شرکت به رغم مایه تاسف بودن اجتناب ناپذیر است؛ زیرا این وضعیت نتیجه سهل انگاری و مسامحه فاحش این شخص حقوقی در ایفای وظیفه قانونی می‌باشد (همان: ۲۸۵).

3. Criminal Justice Act 1991

دادگاه را به دقت در مؤلفه‌هایی چون شدت جرم و توان مالی اشخاص حقوقی به هنگام تعیین جزای نقدی جلب کرده است.

در نظام کیفری آمریکا تعیین جریمه اشخاص حقوقی با معیار دقیق‌تری نسبت به دو نظام مذکور صورت می‌گیرد. دادگاه‌ها با توجه به رهنمودهای تعیین کیفر کمیسیون تعیین مجازات ایالات متحده، جریمه قابل اعمال بر اشخاص مزبور را طی پنج مرحله مشخص می‌کند. در مرحله نخست مبنای جریمه بر اساس سطح جرم مشخص می‌شود.^۲ در مرحله دوم، نمره یا سطح مجرمیت شخص حقوقی است که در محدوده یک تا ده تعیین می‌شود، البته دادگاه باید از نمره پنج شروع کنند و با تکیه بر کیفیات مشدده‌ای مانند نقش پرسنل عالی رتبه در تحقق جرم، بزرگی یا کوچکی شخص حقوقی، سابقه مجرمانه، نقض دستور یا قرار قضایی و نیز کیفیات مخففه‌ای مانند داشتن برنامه تبعیت از قانون، پذیرش مسوولیت و همکاری در تحقیقات و... تعیین می‌گردد. در مرحله سوم مربوط به تعیین ضریب حداقل و حداکثر جریمه با توجه به جدول مجرمیت است و در مرحله چهارم محدوده جریمه قابل اعمال مشخص می‌گردد و سرانجام در مرحله پنجم مبلغ دقیق جریمه‌ای که شخص حقوقی باید در چهارچوب محدوده مذکور به آن محکوم شود، انتخاب و در حکم دادگاه درج می‌گردد.

۲.۱. پرداخت دیه

دفاع از بزه دیده^۳ که به‌عنوان یکی از کارکردهای کیفر می‌باشد بر پایه مبانی اخلاقی و ایدئولوژیک اسلام می‌توان برخی از تمهیدات حمایتی را در مورد بزه دیده یا بستگان او مشاهده کرد. پیش‌بینی پرداخت دیه از سوی عاقله (ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی)، پرداخت دیه از سوی بیت المال (ماده ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی و...) بر مبنای قاعده لایبطل دم امری مسلم، پیش‌بینی صندوق تامین خسارت‌های بدنی و نیز پرداخت دیه از سوی شخص حقوقی را می‌توان به‌عنوان نمونه‌هایی از این حمایت از بزه دیده قلمداد نمود.

اهتمام به بزه دیده و پیش‌بینی جبران خسارت وارده بر او را می‌توان در برخی از قوانین نظام‌های کیفری آمریکا و انگلستان نیز مشاهده کرد به‌عنوان مثال قانون عدالت کیفری (۱۹۷۲) انگلستان نیز به دادگاه‌های کیفری این فرصت را می‌دهد تا در زمان تعیین کیفر در قبال صدمه‌ها و خسارت‌های بزه دیده حتی بدون تقاضای او مبادرت به صدور قرار جبران خسارت کنند.^۴ قانون

1. Sentencing Advisory Penal

۲. سطح اولیه جرم با توجه به نتایجی همچون خدشه به عدالت و میزان خسارت وارده به سطح بالاتری ارتقا می‌یابد.

3. Retribution

4. Compensation Order

عدالت کیفری (۱۹۸۲) با اهمیتی بیشتر به بزه دیده از جبران خسارت او به عنوان ضمانت اجرای اصلی نام برده است (دبستانی کرمانی، ۱۳۷۶: ۷۷) همچنین قانون اختیارات دادگاه های کیفری ۲۰۰۰ نیز به موضوع جبران خسارت و صدور قرار دادگاه توجه نشان داده است و با به کار بردن واژه اشخاص به طور مطلق، آن را شامل هر دو اشخاص حقیقی و حقوقی دانسته است (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۰۷). نظام کیفری آمریکا بیش از نظام کیفری انگلستان به جبران خسارت کیفری تمایل نشان داده است. مطابق رهنمودهای تعیین کیفر ایالات متحده، دادگاه ها می توانند جبران خسارت کیفری را هم به عنوان شرط تعلیق مجازات و هم به صورت ضمانت اجرایی مستقل مورد توجه قرار دهند. اهمیت جبران خسارت بزه دیده، رهنمود تعیین کیفر را بر آن داشته است تا صدور قرار جبران خسارت را از سوی دادگاه الزامی اعلام کند. البته در مواردی که شخص حقوقی پیش تر خسارت بزه دیده را جبران کرده باشد یا تعداد بزه دیدگان زیاد باشد و رسیدگی به موضوع خسارت آنها موجب تطویل تعیین مجازات شود و یا موضوع پرونده پیچیده ارزیابی شود، صدور چنین قرار کیفری الزامی نیست.

در نظام حقوق کیفری ایران، شخص حقوقی در قبال خسارات مالی و وقوع جنایات نیز ضامن است. یک نمونه از چنین تعهدی موضوع ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی است. بر طبق این ماده، شخص حقوقی ضامن حوادثی مانند واژگونی خودرو یا برخورد آن به موانع به هنگام رانندگی است، مشروط بر اینکه وقوع حادثه، مستند به شخص حقوقی باشد. اما تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی برخلاف ماده فوق الذکر یک ضابطه کلی وضع کرده است و بیان می دارد: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارات وارده احراز شود، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود^۱. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود».

برای مثال در شرکت های ترابری زمینی، دارندگان وسایل نقلیه مکلف هستند برای اطمینان از بی عیب و نقص بودن اتوبوس های خود، هر دوره با مراجعه به مراکز معاینه فنی، برچسب معاینه دریافت کنند. حال اگر به علت نقص فنی خودرو (نه تقصیر راننده و یا شخص ثالث)، اتوبوس واژگون شود و سرنشینان آن آسیب و خسارت ببینند، شخص حقوقی از باب تسبیب ضامن است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۷۱). امر مسلم، پرداخت دیه حسب مواعد مربوط به پرداخت دیه بوده و از

۱. در پرونده کلاسه ۹۷۰۴۳۳ شعبه ۱۰۵ کیفری ۲ شهرستان شهریار که والدین کودک مصدوم از دیگر همکلاسی وی به جهت آسیب به چشم کودکشان از ناحیه طفل در زنگ ورزش و از مدرسه به جهت عدم نظارت کافی بر عملکرد کودکان در حین ورزش شکایت کرده بودند به موجب قرار منع پی گرد اصرداری از شعبه دهم دادرسی عمومی و انقلاب شهریار به تاریخ ۱۳۹۷/۲/۳ با این استدلال که جنایت باید مستند به عمل مباشر جرم باشد و قصور شخص حقوقی (مدرسه) احراز نمی گردد پرونده منتهی به قرار منع پی گرد شده است.

این حیث، تفاوتی بین شخص حقیقی و حقوقی نیست. اهتمام قانون‌گذار برای تعیین مسئولیت پرداخت دیه توسط شخص حقوقی به موجب ماده ۱۴ قانون مرقوم، شایسته است. چرا که قبل از تصویب این قانون، دادگاه‌ها مسئولیت را صرفاً متوجه بالاترین مقام مسئول شخص حقوقی می‌دانستند و وی را محکوم به پرداخت دیه کرده و پس از سررسید پرداخت، در صورت عدم پرداخت، ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی را در حق وی اجرا می‌کردند. در حالی که ممکن بود شخص مسئول پس از دوره تصدی و یا حتی در دوران بازنشستگی خود نیز از مسئولیت ناشی از پرداخت دیه خلاصی نیابد^۱.

۱.۳. مصادره اموال^۲

مصادره اموال جایگاه خود را با گذشت زمان در زراد خانه کیفری حفظ کرده است تا هم به‌عنوان مجازات به خدمت گرفته شده باشد و هم از گردش وسایل مضر و خطرناک در جامعه جلوگیری به عمل آورد (دلیر، ۱۳۹۰: ۲۰). مصادره اموال که به عنوان یکی از مجازات‌های اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است از جمله مجازات‌های درجه یک بوده که در ماده ۱۹ قانون مذکور پیش‌بینی شده و طبق ماده ۲۰ این مجازات در دو فرض انحراف از هدف مشروع نخستین یا غعالت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد^۳. مصادره یا ضبط اموال، نوعی مجازات عینی است که به استیلائی دولت بر بخش یا تمامی اموال موجود در زمان ارتکاب جرم تعلق می‌گیرد (ولیدی، ۱۳۸۲: ۴۳۵).

به طور کلی مصادره اموال در دو شکل مصادره عام و خاص نمود می‌یابد. منظور از مصادره عام یا کلی، محرومیت محکوم علیه از کلیه اموال خود اعم از نقدی و غیر نقدی می‌باشد و منظور از

۱. به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۱۳۱۱۸۰۰۵۰۹ مورخ ۱۳۸۹/۶/۳۱، صادره از شعبه ۱۱۱ عمومی جزایی رشت که در آن بر اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی صورت گرفته در اجرای عملیات جدا سازی پایانه‌ی پمپ بنزین آستارا با جاده، راکب موتور دچار سانحه‌ی مرگبار می‌گردد. دادگاه نظر کارشناسان امر را مبنی بر تقصیر توامان راکب و اداره راه و ترابری آستارا مقرون به واقع تشخیص می‌دهد، اما این نه شخص حقوقی اداره مذکور، که رییس آن است که به پرداخت دیه در حق اولیا دم و جزای نقدی بدل از حبس محکوم می‌شود.

2. Confiscation

۳. ایرادی که به ماده ۲۰ قانون مذکور فوق‌الذکر وارد است این است که تکلیف دادگاه در جهت تعیین کیفر با فرض وجود یکی از دو شرط فوق‌الزامی است یا در هر حال دادگاه مخیر است؟ به نظر می‌رسد در صورت وجود یکی از دو فرض فوق‌الذکر مکلف به تعیین حکم مصادره اموال باشد هر چند که قول مخالف آن نیز خالی از وجه نیست (موسوی مجاب، ۱۳۹۴: ۱۹۰)

مصادره خاص، مالکیت دولت بر بخشی از اموال و اشیایی است که به نحوی با جرم ارتكابی ارتباط دارند.

در نظام کیفری انگلستان نیز در مقرره‌های مختلفی چون قانون جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر ۱۹۸۶، قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸، قانون قاچاق مواد مخدر ۱۹۹۴، قانون عواید ناشی از جرم ۱۹۹۵، قانون اختیارات دادگاه کیفری ۲۰۰۰، قانون تروریسم ۲۰۰۰ و مهم تر از همه، قانون عواید ناشی از جرم ۲۰۰۲ به مصادره‌ی خاص اموال مرتبط با جرم اشاره شده است همچنین برای اجرای بهینه این امر اداره ها و نهادهای خاصی از جمله اداره تعقیب حکومتی، اداره تعقیب مالیاتی و گمرکی و اداره استرداد اموال پیش بینی شده است. البته در هیچ یک از قوانین مذکور از مصادره عام اموال چه در مورد شخص حقیقی و چه در مورد شخص حقوقی پیش بینی نشده است (Milington, 2007: 6).

در مجموع می‌توان مصادره خاص را ضمانت اجرایی ضروری، منصفانه و در جهت تعقیب هدف سزادهی، بازدارندگی (که می‌تواند به صورت پیشگیری وضعی و سلب فرصت مجرمانه بروز پیدا بکند) و ناتوان‌سازی مجازات توصیف کرد (خالقی، ۱۳۸۰: ۱۲) و در مقابل، مصادره عام را جلوه‌ای از سخت‌گیری کیفری غیرعادلانه دانست و آن را ضمانت اجرایی نامناسب خواند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۷۱). به کارگیری مصادره عام که در ماده ۲۰ برای اشخاص حقوقی پیش بینی شده است دارای آثار سوئی بوده که افراد بی‌گناه زیادی متاثر از تبعات سوء آن می‌باشد. بنابراین در نظام حقوقی انگلستان و آمریکا که از جمله نظام‌های پیش رو در عرصه‌ی شناسایی مسئولیت کیفری به شمار می‌روند، حتی در حالتی که این اشخاص به منظور ارتكاب جرم تاسیس شوند و یا پس از تاسیس از مسیر قانونی منحرف شوند و فعالیت خود را به ارتكاب جرم تخصیص دهند از ضمانت اجرایی مصادره کل اموال استفاده نشده است (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۰۰).

۲. ضمانت اجرای غیر مالی^۱

ضمانت اجرای غیرمالی ابزارهایی هستند تا از طریق آن‌ها هدف‌های گوناگون مجازات از جمله ناتوان‌سازی، سزادهی، اصلاح و حتی جبران خسارت بزه‌دیده، به شکل اطمینان بخش تری تعقیب شوند. برخی از این ضمانت اجراها همچون انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها، حیثیت و اعتبار شخص حقوقی را زیر سوال برده و در تامین هدف سزادهی به کار گرفته می‌شوند. برخی دیگر مانند ممنوعیت از فعالیت شغلی، ممنوعیت از افزایش سرمایه یا ممنوعیت از صدور اسناد

1. Non-financial Sanctions

تجاری، توان اشخاص حقوقی برای انجام امور مزبور فرو می‌کاهند^۱. برخی نیز مانند انحلال، این اشخاص را به کل ناتوان از انجام هرگونه فعالیت می‌کنند. و سرانجام، برخی دیگر از ضمانت اجراها از جمله تعلیق اجرای مجازات به شرط جبران خسارت غیر مالی، خدمات اجتماعی و رفع نقص سیستم جرم زاء، هدف‌های اصلاحی^۲ و حمایت از بزه دیده را در کانون توجه قرار می‌دهند. در این بخش، مهم‌ترین ضمانت اجراهای کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱.۲. انحلال شخص حقوقی^۳

ضمانت اجرای انحلال همانند مجازات مرگ برای شخص حقیقی است. چرایی مجازات انحلال را باید در سلب کامل اعتماد جامعه نسبت به ادامه فعالیت برخی اشخاص حقوقی از ادامه فعالیت و قطع امید نسبت به بازدارندگی و اصلاح و دگرگونی آن‌ها دانست (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۰۸). با این توصیف می‌توان مهم‌ترین مزیت انحلال را تأمین هدف‌های ناتوان‌سازی و ارباب و همین‌طور بازدارندگی مجازات در وضعیت‌هایی دانست که از سوی دیگر ضمانت اجراهای کیفری قابل تأمین نیست. مانند زمانی که شخص حقوقی به تکرار جرم، خاصه جرایم مهم و ناقض حقوق اساسی چون حیات و آزادی دست زند با موضوع شخص حقوقی فعالیت مجرمانه‌ای مثل قاچاق انسان، تولید مواد مخدر، قوادی، قاچاق انسان و کلاهبرداری بوده باشد. در انگلستان نیز قانون شکنی اشخاص حقوقی در مواردی موجب انحلال آنها اعلام شده است.

به‌عنوان مثال، واحد صدور پروانه ایمنی و سلامت آزیستوس از جمله نهادهایی است که قادر است در صورت تخلف شخص حقوقی که خالق حادثه‌های جدی، خطرناک و به ضرر سلامت عمومی باشد، مجوز فعالیت آنها را لغو نماید و به حیات آن پایان بخشد^۴. به علاوه، آرای دادگاه‌ها می‌تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم شخصیت حقوقی را منحل نماید مانند زمانی که میزان جریمه نقدی مورد حکم به مقدار قابل توجهی فراتر از درآمد یا گردش مالی شخص حقوقی باشد که منتهی به انحلال آن می‌گردد.^۵

در نظام کیفری ایران نیز در مواردی خاص، اشخاص حقوقی با پدیده انحلال مواجه می‌شوند. جهت‌های انحلال این اشخاص، عبارت است از تأسیس برای ارتکاب جرم، انحراف از هدف مشروع نخستین و منحصر نمودن فعالیت خود با ارتکاب جرم-عموم جرایم- (ماده ۲۲ قانون مجازات

1. Incapacitation
2. Rehabilitation
3. Dissolution
4. Control of Asbestos Regulation 2006

۵. به عنوان مثال می‌توان به رای صادره علیه شرکت کاستولد اشاره کرد.

اسلامی) و نیز تکرار جرم -از نوع رایانه‌ای- (ماده ۷۴۸ قانون مذکور، بخش تعزیرات). اشکال اینجاست که ممنوعیتی برای مدیران شخص حقوقی منحل شده جهت جلوگیری از تأسیس شخص حقوقی جدید و تکرار فعالیت مجرمانه از طریق آن، لحاظ نشده است (موسوی مجاب، رفیع زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۳).

۲.۲. انتشار حکم محکومیت^۱ در رسانه‌ها

انتشار حکم محکومیت از آن دسته ضمانت اجراهایی است که مطلق اشخاص حقوقی غیر تجاری و تجاری اعم از کم درآمد یا پر درآمد را در بر می‌گیرد. انتشار حکم دادگاه، وجاهت و اعتبار اشخاص حقوقی را در نزد افکار عمومی سست می‌کند و آن‌ها را وادار می‌سازد جهت اعاده اعتبار پیشین، رفتار و شیوه مدیریت خود را اصلاح کنند. در مورد اشخاص حقوقی غیر تجاری که بر پایه ارزش‌های غیر مالی شکل گرفته‌اند، به طریق اولی ضمانت اجرای غیر مالی مانند انتشار حکم در رسانه‌های جمعی در تزلزل اعتبار و نفوذ اجتماعی این اشخاص موثر در مقام است و آنها را در تجدید سیاست‌های قانون شکنانه تحریک می‌کند (Schlegel, 1990: 38 و شریفی، ۱۳۹۴: ۳۱۵).

اثر دیگر این ضمانت اجرا آگاهی مصرف‌کنندگان، معامله‌کنندگان و عمومی اشخاصی است که در خارج و داخل قلمروی کشور از وضعیت اشخاص حقوقی محکوم و تنظیم روابط خود با آنهاست. طبیعی است که برخی از اشخاص پس از اطلاع رسانی به قطع رابطه، و برخی دیگر به کاهش رابطه‌ی خود با اشخاص حقوقی مجرم دست می‌زنند و به همین دلیل اهمیت این ضمان اجرا کمتر از دیگر ضمانت اجراها نیست (Deckert, 2011: 172). به این ترتیب می‌توان اجرای انتشار حکم دادگاه را تأمین‌کننده هدف‌های سزا دهی، بازدارندگی و اصلاح مجازات ارزیابی کرد.

نظام کیفری انگلستان با همین تلقی در مقرره‌های مختلف به اهمیت این واکنش و ضرورت استفاده از آن اشاره کرده است. به عنوان مثال ماده ۱۰ قانون قتل غیر عمد و آدم‌کشی شرکت ۲۰۰۷ دادگاهها را قادر می‌سازد که شرکتی را مرتکب قتل غیر عمد یا آدم‌کشی شده است را متناسب با شدت جرم انجام داده محکوم و دستور انتشار آن را صادر کند. در دستور صادره به انتشار مواردی چون جرایم ارتكابی، جزییات این جرایم، میزان جریمه تحمیل شده و همچنین شرایط مربوط به ترمیم و اصلاح وضعیت جرم‌زا اشاره می‌شود. خودداری شرکت محکوم از اجرای این دستور، خود جرمی مستقل و قابل کیفرخواست می‌باشد و نیز قانون مراکز تجاری و خدمات الی ۲۰۰۰ نیز به منظور تأثیر سوء بر شهرت و اعتبار اجتماعی محکومین به دادگاهها اختیار اعلان

1. Publication of Condemnation Verdict
2. Corporate Manslaughter and Corporate Act 2007

و انتشار حکم‌های مرتبط با اشخاص حقوقی را تفویض کرده است تا با توسل به این ابزار شرم ساز، آن‌ها را در معرض سرزنش عمومی قرار دهد (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۱۸).

در نظام حقوق کیفری ایران زمانی می‌توان حکم به انتشار حکم محکومیت داد که شخص حقوقی به مجازات دیگری غیر از انتشار حکم محکوم شده باشد (مصدق، ۱۳۹۲: ۱۰۰) و گرنه حکم به انتشار مجرمیت موجه نیست. از سوی دیگر، انتشار حکم محکومیت شخص حقیقی چون مجازات مضاعفی محسوب می‌گردد، با عدالت سازگار نیست.^۱

ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند: «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرایم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه‌های ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: ...» با توجه به مقررات ماده ۳۶، قانون مجازات اسلامی جرایم اقتصادی را احصا نموده و قانون‌گذار شیوه انتشار حکم را بیان کرده و آن عبارت است از: ۱- قطعیت حکم؛ ۲- بیش از یک میلیارد ریال بودن موضوع جرم؛ ۳- انتشار حکم در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار. اما در واقع، گستره بسیاری از جرایم اشخاص حقوقی در قالب این دسته از جرایم جای نمی‌گیرد و از شمول ماده ۳۶ قانون مذکور خارج است. همچنین دقیقاً مشخص نیست که این مجازات باید در روزنامه کثیرالانتشار یا روزنامه محلی و در چند نوبت انتشار یابد. منظور از رسانه نیز همان‌طور که بیان شد، دارای مصادیق متعدد است و مواردی شامل رادیو، تلویزیون و حتی فضای مجازی را در بر می‌گیرد. پس ضرورت اصلاح قانون در این خصوص جهت جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص حقوقی بیش از پیش احساس می‌گردد. پیشنهاد می‌گردد که انتشار حکم در رسانه و تعیین نوع مصداق آن، بسته به گستره فعالیت شخص حقوقی در اختیار دادگاه صادرکننده حکم باشد و تحمیل هزینه‌های ناشی از انتشار نیز بر عهده شخص حقوقی مرتکب جرم قرار گیرد.

۲.۳. انواع ممنوعیت‌ها (مجازات‌های سالب حق)

در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی در بندهای «پ»، «ت» و «ث»، به ممنوعیت‌هایی از یک یا چند فعالیت شغلی و اجتماعی، دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و اصدار برخی از اسناد تجاری

۱. در این خصوص می‌توان به پرونده آلودگی هوای شهر اهواز اشاره کرد که به موجب دادنامه شماره دادگاه ۱۰۸ جزایی سابق برای نمایندگان قانونی به اتهام تهدید علیه بهداشت عمومی مجازات حبس و برای شخص حقوقی انتشار حکم در رسانه را مورد حکم قرار داده بود. با توجه به اینکه نمایندگان قانونی به مجازات حبس محکوم شده‌اند و انتشار این حکم می‌تواند آثار سوء فراوانی داشته و علاوه بر آن مجازات مضاعفی بر نماینده قانونی بوده که با موازین عدالت انصاف سازگار نیست.

حداکثر برای مدت پنج سال یا به‌طور دائم در دو مورد اول، اشاره شده است. این دسته از کیفرها و همچنین عبارت «حداکثر برای پنج سال یا به‌طور دائم» دارای اشکال است؛ زیرا وجود تعارض بین دو مدت و اشتباه‌بودن یکی از آن‌ها بدیهی بوده و ضرورت اصلاح این دسته از کیفرها ضروری است (توجهی، ۱۳۹۴: ۴۱). این دسته که به‌عنوان مجازات سالب حق شناخته می‌شوند، کیفرهایی هستند که به‌موجب آن یک یا چند حق از حقوق مشروع و قانونی مجرم را سلب می‌نمایند (احمدی موحد، ۱۳۸۷: ۲۳۷). محرومیت‌های قید شده در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، جملگی از کیفرهای اصلی هستند که برخی از این محرومیت‌ها به‌طور دائم و برخی به‌صورت موقت بر شخص حقوقی تحمیل می‌گردد و برای اجرای آن‌ها علی‌رغم اهمیتشان، در قانون آیین دادرسی کیفری مقررات خاصی پیش‌بینی نشده است. چراکه اساساً اجرای این‌گونه از احکام، جنبهٔ اعلامی دارد و سازمان و نهادی که بتوان این احکام را به آن اعلام کرد، در قوانین پیش‌بینی نشده است. به‌عنوان مثال، یک شرکت تولید مواد غذایی از تولیدکردن یک یا چند محصول برای مدت پنج سال منع می‌گردد.

حال اگر به شرکت مذکور این ممنوعیت اعلام شود، هیچ نوع ضمانت اجرایی برای مقابله با استنکاف احتمالی شرکت، پیش‌بینی نشده است. پس ضرورت دارد قانون‌گذار، سازمان متولی اجرای حکم را مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و... برای موضوعاتی از این دست تعیین و ضمانت اجرای استنکاف آن را مشخص کند.

۲.۴. اصلاح وضعیت جرم‌زا و خدمات اجتماعی

اصلاح وضعیت جرم‌زا ضمان اجرای نوینی است که از سوی برخی از نظام‌های کیفری از جمله انگلستان و آمریکا به هدف پیشگیری از تکرار جرم و تامین هدف اصلاح و بازپروری مجازات نسبت به اشخاص حقوقی مورد اقبال و به‌بوته آزمایش برده شده است. این دسته از مجازات‌ها امتیازات ویژه‌ای دارند: نخست، قابلیت اعمال به کلیه اشخاص حقوقی غیر تجاری و تجاری را دارد؛ دوم، این دسته از ضمانت اجراها از تسری به دیگر افراد، شرکا که دخیل در ارتکاب جرم نبوده‌اند خودداری می‌کند؛ سوم، اعمال این ضمانت اجرا برخلاف جریمه نقدی قابل خرید نبودن جرایم توسط اشخاص حقوقی را به اثبات می‌رساند و نشان می‌دهد جامعه در جرایم آن‌ها تسامحی ندارد؛ چهارم، ضمانت اجرای موصوف موجب تنویر افکار عمومی از وضعیت واقعی اشخاص حقوقی و تنظیم رابطه رابطه‌ی خود با آنها می‌شود (Fiss, 1990: 236).

نظام کیفری آمریکا با پیش‌بینی دوره یک تا پنج ساله و با بهره‌گیری از اصول راهنمای تعیین کیفر زمینه را برای تحقق شرایط مذکور را فراهم کرده است. همچنین نظام حقوق کیفری

انگلستان چه در قالب اصول راهنمای تعیین کیفر و چه در چارچوب برخی از مقرره‌ها به اصلاح رویه‌های جرم‌زای حاکم بر اشخاص حقوقی و ترویج یک فرهنگ اخلاقی قانون مدار در میان آن‌ها اعتنا نموده است. به عنوان مثال در قانون قتل غیر عمد و آدم کشی ۲۰۰۷ به صدور قرار اصلاح وضعیت جرم‌زا به عنوان یک ضمانت اجرای مستقل به منظور التزام اشخاص حقوقی مجرم در اتخاذ تدابیر مناسب جهت رفع عامل‌ها و سبب‌های مرگ بار نگریسته شده است. آن چه در قرار صادره باید به آن اشاره شود عبارت است از نوع تخلف و نقض قانون از سوی شخص حقوقی، ارتباط بین نقض قانون و مرگ حادث شده و همچنین هرگونه نارسایی و معضل مرتبط با موضوع ایمنی و بهداشتی که منجر به نتیجه زیانبار شده است و ضرورت دارد که رفع شود.

جهت اجرای بهینه دستورهای اصلاح وضعیت دادگاه، این قانون اجازه داده است تا از مراجع نظارتی ذی صلاح از جمله هیات اجرایی ایمنی و سلامتی^۱ در طول دوره مراقبت بهره گیرد (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۲۴) و متأسفانه در شمار ضمانت‌های اجرایی کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوق کیفری ایران چنین ضمانت‌های اجرایی مشاهده نمی‌گردد.

خدمات اجتماعی رایگان از دیگر ضمانت‌های اجرایی است که از سوی نظام‌های کیفری چون آمریکا به عنوان شرط تعلیق مجازات به منصفه اجرا گذاشته شده است. برابر رهنمودهای تعیین مجازات ایلات متحده، دادگاه‌ها باید اشخاص حقوقی را با توجه به مهارت، تخصص و امکاناتی که دارند به انجام خدمات اجتماعی مرتبط با آسیب‌های ناشی از جرایم خود محکوم کنند (Doyle, 2013: 29). در حقوق کیفری ایران از ضمانت اجرای خدمات اجتماعی به عنوان مجازات جایگزین حبس اشخاص حقیقی نامبرده شده است. اما در جمع مجازات‌های اشخاص حقوقی این ضمانت اجرا وجود ندارد.

۳. ضمانت‌های تبعی و تکمیلی

به لحاظ تحلیل حقوقی، هیچ مانعی برای تحمیل مجازات تکمیلی به اشخاص حقوقی وجود ندارد؛ چون این مجازات‌ها عمدتاً از زمره مجازات‌های سالب یا محدود کننده حق (محرومیت از حقوق

1. Health and Safety Executive

۲. به عنوان مثال می‌توان به وادار کردن یک شرکت حمل و نقل مجرم سرویس دهی به دانش آموزان بی بضاعت، مکلف نمودن یک موسسه تحقیقاتی به انجام پروژه‌های پژوهشی یک دانشگاه، موظف کردن یک شرکت سازمانی متقلب به هم یاری در ساخت خوابگاه دانشجویان، متعهد کردن یک بیمارستان متخلف به ارائه خدمات رایگان به بیماران تهی دست، الزام یک شرکت آلوده کننده محیط زیست به اجرای یک پروژه‌ی زیست محیطی در جهت منافع عمومی و مقید نمودن یک شرکت تولید لباس به تامین لباس‌های نظامی سربازان یک پادگان، به عنوان جلوه‌هایی از خدمات اجتماعی در مورد اشخاص حقوقی اشاره کرد.

اجتماعی) هستند که به لحاظ منطقی، اعمال آن‌ها نسبت به اشخاص حقوقی امکان‌پذیر است (پوربافرانی، سیف، ۱۳۹۴: ۸۷). دقت در مجازات‌های تکمیلی احصا شده در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی بیانگر آن است که برخی از این مجازات‌ها قابلیت اعمال به اشخاص حقوقی را دارند؛ برای نمونه، منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجاری؛ الزام به خدمات عمومی؛ توقیف ... موسسه دخیل در ارتکاب جرم؛ الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین. با وجود این، برخی بر این باورند ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، اعمال مجازات تکمیلی بر اشخاص حقوقی را نمی‌پذیرد؛ زیرا در ابتدای ماده مرقوم از «فرد» سخن می‌گوید که تنها اشخاص حقیقی را شامل می‌شود (مصدق، ۱۳۹۹: ۳۸)؛ البته در مقام پاسخ می‌توان بیان کرد که واژه «فرد» در ابتدای ماده از باب غلبه آمده است و با یک تفسیر منطقی مجازات‌های تکمیلی قابلیت اعمال بر اشخاص حقوقی در غیر از مواردی که منحصراً به اشخاص حقیقی مربوط می‌شود را دارد. هر چند که ضرورت دارد قانون‌گذار با اصلاح ماده مذکور، مانع از تفسیرهای گوناگون در این مورد گردد.

در مورد مجازات تبعی به نظر می‌رسد که اعمال مجازات‌های تبعی بر اشخاص حقوقی منطقی نیست. همان‌گونه که می‌دانیم مجازات تبعی به صورت محرومیت از حقوق اجتماعی همچون تصدی مناصب و موقعیت‌های اجتماعی نظیر عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، داوطلب شدن برای انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر روستا؛ اشتغال در دستگاه‌های دولتی و... است که اختصاص به اشخاص حقیقی دارد، نه اشخاص حقوقی، حال با توجه به ماهیت این جرایم و دقت در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی عمدتاً تناسبی با اشخاص حقوقی ندارند و قابل اعمال بر اشخاص حقوقی نیستند (نیکومنظری، ۱۳۹۸: ۲۵۱).

نتیجه‌گیری

پیش‌بینی ماهیت مستقل اشخاص حقوقی از اشخاص حقیقی موجب شده است که بتوان اهداف مجازات‌ها را در مورد آن‌ها به رسمیت شناخت. برخلاف عده‌ای که معتقد به این هستند که سایر اهداف مجازات جز بازدارندگی در مورد اشخاص حقوقی محقق نمی‌گردد وجود ماهیت مستقل و ریسک‌های محاسبه شده و وجود آثار و تبعات خطرناکی که این دسته از اشخاص می‌توانند داشته باشند، وجود ضمانت اجرای کیفری که قادر باشند هزینه‌های ارتکاب جرم را افزایش دهند، می‌تواند به منصرف کردن آن‌ها از ارتکاب جرم بیانجامد. با توجه به خط مشی سازمانی اشخاص حقوقی که موجب رویه و فرهنگ جرم خیز اشخاص حقوقی است و نظام عدالت کیفری با توسل به ضمانت اجرای سزادهنده، چنین فرهنگی را مورد تقبیح قرار می‌دهد. با اجرای اصلاح‌کننده

شیوه مدیریت و ترمیم کننده خطی مشی می توان کارکرد اصلاح و بازپروری را در مورد اشخاص حقوقی به رسمیت شناخت.

حمایت از بزه دیده به عنوان یکی دیگر از کارکردهای مجازات در مورد اشخاص حقوقی مورد توجه نظام های مختلف کیفری قرار گرفته است و در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در تبصره ماده ۱۴ در جهت حمایت از بزه دیده پرداخت دیه توسط اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته است. بنابراین می توان گفت که کارکردهای مجازات اعم از فایده گرایی و سزا دهی (گرایی) در مورد اشخاص حقوقی به طور کلی مورد توجه قرار گرفته است.

نظام حقوق کیفری انگلستان و آمریکا که به عنوان نظام های پیش رو در شناسایی مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی ضمانت اجراهای متعددی را برای اخاص حقوقی پیش بینی کرده اند، که در مقایسه نظام حقوق کیفری ایران طیف وسیعی از ضمانت اجراها را پیش بینی کرده اند و این در حالی است که قانون گذار کیفری ایران با اقتباس از حقوق فرانسه ضمانت اجراهای پیش بینی شده برای اشخاص حقوقی با ریسک خطرات احتمالی و نیز آسیب هایی که می توانند این اشخاص ایجاد نمایند هماهنگی ندارد به عنوان مثال در بحث جزای نقدی میزان جزای نقدی برای شخص حقیقی در جرم جعل اسناد عادی حداکثر هجده میلیون ریال می باشد و چنانچه بخواهیم شخص حقوقی را مجازات کنیم باید حداکثر چهار برابر آن را در نظر بگیریم که این میزان در مقابل آثار و تبعات جرایم این اشخاص بسیار ناچیز می باشد و لذا نظام حقوق کیفری انگلستان و آمریکا در ارتباط با اشخاص حقوقی سازوکارهای مناسب تری دارد.

در مورد سایر ضمانت اجراهای کیفری تعیین شده ابهامات فراوانی در تعیین کیفر و اجرای آن وجود دارد به طور مثال در مورد انتشار حکم در رسانه مشخص نیست که در چه رسانه ای باشد حکم محکومیت انتشار یابد و صرف انتشار حکم محکومیت می تواند برای شخص حقیقی نماینده قانونی مجازات مضاعفی باشد. در مورد مصادره اموال ظاهر قانون اشاره به مصادره عام دارد که این نوع مصادره می تواند موجب انحلال کامل شرکت گردیده و آثار جبران ناپذیری بر سایر کارکنان شخص حقوقی داشته باشد. انحلال شرکت نیز دقیقاً مشخص نیست که باید با چه سازو کاری انجام شود و اختلاف نظر مبنی بر این که آیا دادگاه در محکوم کردن شخص حقوقی به مصادره اموال یا انحلال اختیار دارد یا خیر محل تأمل است.

پیشنهادها

۱- قانون گذار دامنۀ ضمانت اجراهای کیفری را افزایش داده و به مجازات های جایگزین و خدمات اجتماعی توجه ویژه داشته باشد.

- ۲- قانون‌گذار حدود و ثغور ضمانت اجراهایی چون انتشار حکم در رسانه را مشخص و دقیقاً اعلام نماید که این ضمانت اجرا برای چه جرایمی قابل تحقق می‌باشد.
- ۳- قانون‌گذار ضمانت اجرای جزای نقدی را به نحو دیگری به‌ویژه برای شرکت‌های تجاری معین کند و در این زمینه می‌توان از رهنمودهای نظام حقوق کیفری انگلستان و آمریکا بهره جست.
- ۴- برای ضمانت اجرای مصادره بهتر است به جای مصادره کل اموال به مصادره اموال ناشی از جرم تغییر یابد.
- ۵- در بحث انحلال شخص حقوقی دقیقاً سازو کار انحلال و سازمان متولی آن را به نحو دقیقی معین و معرفی نماید.
- ۶- بحث مجازات‌های تبعی و تکمیلی و نیز قرار تعویق و تعلیق مجازات را در مورد اشخاص حقوقی به نحو دقیقی مشخص و معین نماید.

منابع

- احمدی موحد، اصغر (۱۳۸۷)، **اجرای احکام کیفری**، چاپ سوم، نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ سی و دوم، تهران: نشر میزان.
- پوربافرانی، حسن، سیفی، مهدی (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی مجازات اشخاص حقوقی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره نه، ص ۱۰۱-۱۲۸.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴)، **آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲**، چاپ اول، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سید محمد جواد (۱۳۹۱)، «سزا گرایی در فلسفه کیفر»، **پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، سال سوم، شماره اول، ص ۶۱.
- خالقی، سمیرا (۱۳۸۰)، «سنجش و ارزیابی انواع روش‌های پیشگیری از جرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- دادبان، حسن و آقایی، سارا (۱۳۸۸)، «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم»، **فصل‌نامه حقوق**، مجله دانشکده‌ی حقوق و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۳، ص ۱۲۷-۱۲۸.
- دلیر، حمید (۱۳۹۰)، **حقوق مصادره**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۱)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد.

شریفی، محسن (۱۳۹۴)، **مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

مصدق، محمد (۱۳۹۲)، **شرح قانون مجازات اسلامی با رویکرد کاربردی**، چاپ اول، نشر جنگل.

مصدق، محمد (۱۳۹۹)، **شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری**، چاپ اول، نشر جنگل.
 موسوی مجاب، سید درید، رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴)، «**ضمانت‌های اجرایی اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی**»، **نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۶۹، ص ۱۶۹-۱۴۰.
 مهرا، نسرين (۱۳۸۷)، «**نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز**»، **مجله فقه حقوق**، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۱۰۱.

مهرا، نسرين (۱۳۸۹)، «**رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان و ولز**»، **فصل‌نامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳، ص ۳۴۰.

مهرا، نسرين (۱۳۸۶)، «**کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری در انگلستان (با تکیه بر کارکردهای کیفر)**»، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۵، ص ۸۶-۴۹.
 نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، «**کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطر مدار**»، **تازه‌های علوم جنایی**، چاپ اول، تهران: ص ۷۵۰-۷۱۷.

نیکومنظری، امین و محسنی، فرید (۱۳۹۸)، «**چالش‌های نظری و عملی فرآیند تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات اشخاص حقوقی**»، **پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، ص ۲۵۱.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۲)، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران: انتشارات خورشید.

Balcher, A (2006), **Imagining How a Company Thinks: What is Corporate Culture?**, Deakin Law 11,1.

Cavadino, M & Dignan, J (2002), **The Penal system: An Introduction**, 3rd edn, London.

Clark, B & Lansford (2005), **A Re- Birth of Corporate Killing?** Lessons From American in a New Law For Scotland.

Doyle, C (2013), **Corporate Criminal Liability: An Overview of Federal Law**, Congressional Research Service, Octobr 30.

Deckert, K (2011), **Corporate Criminal Liability in France**, in Pieth, Mark Pieth & Ivory, Radha, **Corporate Criminal Liability**, Springer.

Fiss, B (1990), **Sentencing Ootion Against Corporations**, Criminal Law Fourm, 1.

Gruner, Richard (1994), **Corporate Crime and Sentencing**, 1st ed.

- Millington, T & Sutherland W (2007), **The Proceeds of Crime: Law and Practice of Restraint, Confiscation**, Condemnation and Forfeiture, Secind Edition, Oxford University.
- Schlegel, K (1990), **Just Deserts for Corporate Criminal**, Boston: Northeastern University Press.
- Wells, C (2005), **Corporate Criminal Responsibility**, Published in the Book of Research Hand book on Corporate Legal Responsibility, Edited By Steohen Tully, Law Department London School of Economics and Political Science, UK.

